

فصلنامه پژوهش‌های نوین روانشناختی

سال سیزدهم شماره ۵۱ پاییز ۱۳۹۷

شخصیت‌شناسی از منظر روانشناسی سیاسی: مطالعه موردی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری امام خمینی (ره)

مهدی عباسی^۱
محمد مسعودی نیا^۲

چکیده

روان‌شناسی سیاسی حوزه مطالعاتی بینا رشته‌ای برای درک رفتار سیاسی و شخصیت سیاستمداران از دیدگاه روان‌شناختی است. رابطه دو سویه حاکم بر سیاست و روان‌شناسی بیانگر درک سیاست از منظر روان‌شناسی و درک روان‌شناسی از منظر سیاست است. به عبارتی، روان‌شناسی سیاسی و رویکردهای آن به زمینه‌های گسترده نظیر نقش رهبری و کیش شخصیتی در رفتارهای سیاسی تعلق دارد. تبیین ماهیت، شخصیت و رفتار سیاسی رهبری امام خمینی (ره) و علت تأثیرگذاری عمیق وی در تحولات اجتماعی و فرهنگی سیاسی هدف نوشتار حاضر است و سؤال اصلی این است که «چه تعاملاتی میان شخصیت و سبک رهبری امام خمینی (ره) و رعایت اخلاق سیاسی و انسانی وجود داشته است؟ و مولفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در جذب افراد در جریان انقلاب اسلامی چه بوده است؟ یافته‌های این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی-اسنادی و کتابخانه‌ای، نشانگر تعامل شخصیت و شیوه رهبری امام خمینی (ره) بر پایه نقش سیاسی منحصربه‌فرد او در جذب افراد در فرآیند انقلاب اسلامی بوده و اساساً تعامل امام با نخبگان و علما و سبک زندگی خاص که همواره ساده‌زیستی را سرلوحه زندگی قرار داده در ماندگاری وی مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، روانشناسی سیاسی؛ زبان سیاسی، رفتار سیاسی؛ اخلاق سیاسی؛
شخصیت‌شناسی

۱- عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، ایران (نویسنده مسئول) Email:Mahdi.abbasi95@yahoo.com

۲- عضو هیئت علمی، استاد یار، گروه الهیات و حقوق دانشگاه پیام نور، ایران

مقدمه

سیاست، زندگی در تاریخ بوده و افراد، نظرات، خواسته‌ها، نیازها و اقدامات آنها برای مبارزه و مذاکره، در راه نیل به اهداف، در دل هزاران سال تاریخ سیاست نهفته است. فعالیت‌های سیاسی در نهادهایی تظاهر می‌یابد که به واسطه آنها زمام امور یک ملت در دست گرفته می‌شود تا بیانگر اراده آنها در تحقق آمال باشند. انقلاب و تحولات اجتماعی همواره در جوامع بشری حادث شده و انسان برای تغییر وضع موجود تا رسیدن به وضع مطلوب همواره در تلاش و کوشش بوده و هر انسان برای رسیدن به کمال، نیازمند محیط اجتماعی مطلوب و متکی بر قوانین بوده و روانشناسی سیاسی میدان جدید در علوم سیاسی است که زمینه را برای توضیح بسیاری از جنبه‌های رفتار سیاسی توانا می‌سازد و به دنبال تبیین وضع عمومی رفتار است. در این راستا بررسی رفتارهای شخصیت‌های سیاسی یکی از حوزه‌های مطالعاتی روان‌شناسی سیاسی به شمار می‌آید که بر همین اساس، امام خمینی(ره) به عنوان یکی از شخصیت‌های برجسته جهان اسلام اواخر قرن بیستم که توانست با توکل بر خدا، و با توجه به شایستگی‌های شخصی توانست، همدلی و همیاری مردم و روحانیت را جلب و جذب نموده و حرکت عظیم انقلاب اسلامی را در ایران سازماندهی و به پیروزی برساند، از الگوهای آرمانی در شخصت‌شناسی به شمار می‌آید که توجه به جنبه‌های رفتاری و شخصیتی ایشان، موضوع مناسبی برای روان‌شناسی سیاسی به شمار می‌آید به نحوی که تأثیرات عمیق رهبری ایشان به گونه‌ای است که بسیاری از نظرپردازان داخلی و خارجی به دنبال تبیین ماهیت رهبری وی و علت تأثیرگذاری عمیق آن بوده‌اند. نوع رهبری ایشان که به جای تکیه بر قانون و یا دیکتاتوری بر ارزش‌های الهی استوار بوده از جلوه‌های ممتاز و نادر در عرصه رفتارشناسی سیاسی که جای مطالعه بیشتر را برای خود تضمین کرده است. از این رو بررسی ابعاد رفتاری امام خمینی از دیدگاه روان‌شناختی، نسل امروز و احاد جامعه را با ویژگی‌ها و خصوصیات برجسته این انسان نمونه آشنا می‌کند تا به مثابه یک انسان جامع، شخصیت برجسته او را الگو و مرجع رفتاری خود قرار دهند. در این راستا این نوشتار در جهت پاسخ دادن به این سوال به رشته تحریر در آمده است که چه تعاملاتی میان شخصیت سیاسی و شیوه رهبری امام خمینی(ره) و رعایت اخلاق سیاسی و انسانی وجود داشته و

مولفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی(ره) در جهت جذب افراد برای رسیدن به انقلاب مطلوب چه بوده است؟ و اینکه چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های شخصیتی و شیوه رهبری و اخلاق سیاسی وی وجود دارد.

تعریف و اصول روان‌شناسی سیاسی

روان‌شناسی سیاسی به‌عنوان شاخه‌ای از روان‌شناسی اجتماعی، ناظر بر دیدگاه‌هایی است که شخصیت فردی و ارتباط فرد در گروه را مورد بحث قرار می‌دهد. با این تفاوت که موضوع آن خاص‌تر و محدودتر به عرصه سیاست منحصر می‌شود و به‌جای مطالعه رفتار اجتماعی که عام‌تر است، رفتار سیاسی، کانون بررسی آن قرار می‌گیرد (منستد و هوستون، ۱۹۹۹).^۱ اساساً روان‌شناسی سیاسی ادغام دو رشته روان‌شناسی و علوم سیاسی را بازنمایی می‌کند، گرچه سایر رشته‌ها نیز به رشد این حوزه و خلق آثار در این زمینه کمک کرده‌اند.

دانشمندان علوم سیاسی، دانش و درک خود درباره سیاست را به این حوزه عرضه می‌دارند. برای مثال روان‌شناسان اغلب فرآیند تصمیم‌گیری در گروه‌ها را بررسی کرده و برخی از ایده‌هایی که آنها برای جهت دادن به نظریه‌های خود درباره تصمیم‌گیری گروه‌ها به‌کار برده‌اند، از نمونه‌های زنده تصمیماتی اقتباس شده است که گروه‌های سیاسی به‌طور واقعی به‌کار گرفته‌اند که در این میان می‌توان به ماجرای تصمیم ورود به جنگ ویتنام اشاره نمود (خوارزمی علاقبندراد، ۱۳۸۴).

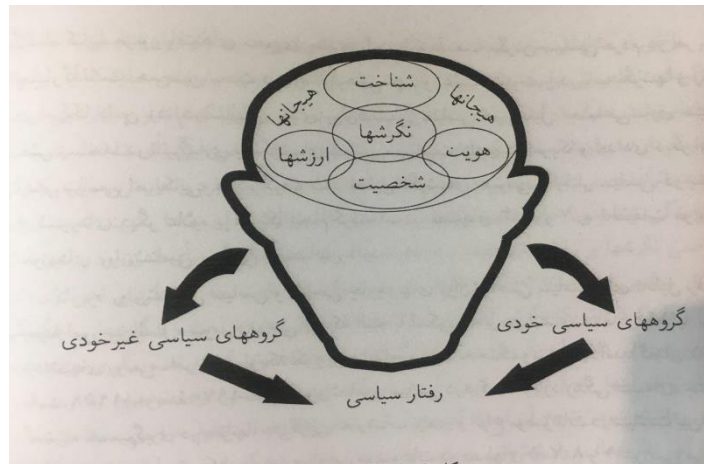
«هرمن»^۲ در کتاب روان‌شناسی سیاسی (۱۹۸۶) اصول چندگانه‌ای را برای این حوزه می‌شمارد که برای فهم چیرستی آن مفید است:

۱. فهم پدیده‌های روانی و پدیده‌های سیاسی: تأکید روان‌شناسی سیاسی بر تعامل و هم‌ورزی پدیده‌های سیاسی و روان‌شناختی است.
۲. پژوهش در مسائل اجتماعی دارای تبعات سیاسی و راه‌حل‌شناسی: مانند بحران‌های محیط زیست، بحران رهبری عموم‌ی(گرانت).

1- Mensted & Huston

2- Herman

۳. نقش موقعیت‌ها در زمینه‌های متفاوت مطالعه در روان‌شناسی سیاسی: مطالعه فرد در یک موقعیت در زمان مشخص (هرمن).
 به بیان ساده‌تر افراد با نیروی درونی مانند شخصیت، نگرش و هویت خود عمل می‌کنند. آنها از طریق فرآیند شناختی، محیط خود و دیگران را ارزیابی می‌کنند که در نتیجه به شکل‌گیری تصاویری از دیگران منجر می‌شود و وقتی این عوامل ترکیب شدند، تصمیم به عمل می‌گیرند بنابراین، افراد در سیاست، اغلب در مقام عضوی از یک گروه عمل می‌کنند و رفتار آنها در گروه با رفتار فردیشان بسیار متفاوت است (خرازی، علاقبندراد، ۱۳۸۴) انسان سیاسی، نمونه‌ای عمومی در جهان سیاست است که در قالب بکارگیری نظریه‌ها و یافته‌های روان‌شناختی از قبیل نظریه‌های شناخت، روان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی رشد در تحلیل سیاست (سیرز) و به‌عنوان عامل روان‌شناختی مرکزی در تأثیرگذاری بر رفتارهای دیگران مورد مطالعه قرار می‌گیرد.



مهارت‌های اجتماعی در سیاست‌ورزی

عرصه سیاست برای یک شخصیت سیاسی مملو از فرصت‌های متنوع جهت به‌کارگیری مهارت‌های اجتماعی است که موضوع مطالعه روانشناسان سیاسی است که در این میان می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

(۱) اهداف مشخص

به نظر آرگامل و کندون (۱۹۶۷)، تعامل اجتماعی را می‌توان از نظر اهداف متمایز مفهوم‌سازی کرد. در زمینه سیاست، رفتار سیاستمداران را مسلماً می‌توان هدفمند تلقی کرد. به‌عنوان مثال، حزب سیاسی در مبارزات انتخابات عمومی نیاز به مجموعه سیاست‌های منسجمی برای تهییج رای‌دهندگان دارد. در واقع سیاستمداران به‌خاطر فقدان چشم‌انداز یا هدف روشن مورد انتقاد قرار می‌گیرند. از این رو احتمالاً اهداف، نقش محدودی در رفتار سیاسی بر عهده دارند (واینبرگ^۳، مفتوح^۴، ۱۳۹۴)

(۲) ادراک

به نظر آرگاین و کندون (۱۹۶۷) ادراک انتخابی نشانه‌های اساسی عملکرد ماهرانه است. مسلماً درک کامل شرایط و مردم برای سیاستمداران از اهمیت سیاسی برخوردار است. سیاستمداران باید دیگران را درک کنند و به‌عنوان چهره عمومی از نحوه درک دیگران از آنها آگاه باشند (کلارک، سندرز، استوارت و رایتلی، ۲۰۴). تحلیل مراحل این رتبه‌بندی بیانگر دو بعد ممتاز اما مرتبط توانمندی و پاسخ‌دهی است. در این میان وفای به عهد، قاطع بودن و پایبندی به اصول و اخلاق در بعد توانمندی و رتبه‌بندی مهربان، منطقی و فروتن بودن در بعد پاسخ‌دهی قرار می‌گیرد (واینبرگ، مفتوح، ۱۳۹۴).

(۳) واکنش‌های حرکتی

واکنش حرکتی به معنای عملکرد رفتار واقعی است. بسنده نیست که سیاستمدار مُدرک ماهری باشد یا قادر به ترجمان برداشت به استراتژی‌های رفتار مناسب باشد. رفتار یک سیاستمدار باید به شیوه‌ای قانع‌کننده و مؤثر باشد (بول^۱، الیوت^۲، پالمر^۳ و واکر^۴، ۱۹۹۶).

(۴) باز خورد و اقدام اصلاحی

سیاستمداران انواع مختلف باز خورد را دریافت می‌کنند. تلویزیون، اینترنت، و روزنامه‌ها اقدامات سیاسی را به‌شدت پوشش می‌دهند. سیاستمداران به‌طور مداوم بر فعالیت‌های

1- Boull
3- Palmer

2- Elliott
4- Walker

یکدیگر نظارت داشته و به ارزشیابی و انتقاد از عملکرد یکدیگر می‌پردازند (کلارک، ۲۰۰۸).

۵) زمینه فرد - موقعیت

مهارت‌های اجتماعی از نظر زمینه فرد - موقعیت درک می‌شوند (هارگی، ۱۹۹۷).

در مجموع در سیاست معاصر، سیاستمداران بهره‌مند از مهارت‌های اجتماعی مناسب، از مزیت متمایزی برخوردارند. الگوی مهارت اجتماعی و روان‌شناختی احتمالاً چارچوبی را برای تحلیل مهارت‌های ارتباطی سیاستمداران فراهم می‌کند و در شناسایی مهارت‌هایی نظیر درک دیگران و آگاهی از نحوه درک نیز مؤثر است. به‌علاوه الگوی مهارت اجتماعی را می‌توان در تحلیل اقدامات سیاسی به کار برد (واینبرگ، مفتوح، ۱۳۹۴).

اهمیت شخصیت در سیاست

شخصیت مفهومی محوری در روان‌شناسی است. به همین دلیل شخصیت انسان سیاسی قرار گرفته در نقطه تمرکز اصلی و بازنمای توانایی فرد در اداره جامعه است. شخصیت بر نحوه تفکر رفتار افراد در صحنه سیاسی تأثیر گذاشته و در عین حال تحت تأثیر تجارب افراد نیز قرار دارد. (آدورنو، ۱۹۵۱). بر این اساس، از آنکه از مفهوم شخصیت برای ارزیابی گسترده‌ای از رفتارهای سیاسی استفاده شده است که در این میان می‌توان به روان‌شناسی رهبران سیاسی و آسیب‌شناسی روانی کسانی که مرتکب شقاوت‌هایی با انگیزه سیاسی شده‌اند (مانند هیتلر) اشاره نمود.

تولد نظریه‌های روان‌شناختی سیاسی و اجتماعی

آدلر یکی از روان‌شناسانی است که در یک فضای ویژه‌ای به عوامل اجتماعی و مؤثر در شخصیت توجه کرده است و در واقع، تعلق اجتماعی را جزء ذاتی انسان دانسته و در این میان دیدگاه وی در عرصه رفتارهای سیاسی در قالب اصول زیر خلاصه‌بندی شده است:

۱) اصل علاقه اجتماعی، ۲) اصل حقارت، ۳) اصل برتری‌جوئی، ۴) خودخلاق، ۵) شیوه زندگی خاص و بی‌همتا، ۶) سنخ‌شناسی شخصیت: الف) سنخ اول یا سلطه‌جویانه ب) سنخ

دوم یا گیرنده، ج) سنخ سوم یا اجتناب‌گر، د) سنخ چهارم یا اجتماعی، تربیت تولد در رشد سیاسی - اجتماعی (برزگر، ۱۳۲۴).

وی در کتاب معروف خود «جنبه نظری و علمی روان‌شناسی فردی» که در سال ۱۹۲۸ انتشار یافت بر خلاف فروید که گزینه‌ها را انگیزه اصلی رفتار می‌دانست، بر جنبه اجتماعی بودن رفتار انسان تأکید داشت. وی در این اثر اصول زیر را در رفتارشناسی سیاسی برجسته کرده است

(۱) اصل تعامل اجتماعی: به نظر آدلر انسان با علاقه اجتماعی به دنیا می‌آید و اجتماعی بودن در فطرت و ذات بشر است. اما این به صورت بالقوه است و مانند سایر غرایز فطری بر پرورش و به فعلیت درآمدن نیازمند است که این امر از طریق تعامل اجتماعی صورت می‌گیرد. این ارتباط ابتدا از طریق خانواده، و سپس مدرسه، معلمان، هم‌کلاسی‌ها و سرانجام افراد دیگر در جامعه انجام می‌شود. هرچند که حس برتری‌طلبی، ابتدا جنبه شخصی دارد اما بعدها به صورت اجتماعی درمی‌آید. همچنین به نظر آدلر، وجود یک احساس اجتماعی در افراد پدیده‌ای مشترک است (قاسم‌پور، غفاری و کشاورز، ۱۳۹۶).

(۲) اصل خودخلاق بودن: مطالعات آدلر او را به این عقیده می‌رساند که شخصیت آدمی فقط از استعدادهای غریزی و اثرات محیط خارجی و فعل و انفعالاتی که حاصل می‌کنند، تشکیل نمی‌شود بلکه در این میان، خلاقیت و ابتکار شخصی هم در کار است. به این معنی که آدمی برای ارضای تمایل برتری‌جویی خود، عوامل زیستی و اجتماعی را در تجارب و فعالیت‌های ابتکاری مورد استفاده قرار می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۹). آدلر در اوج نظریه خود بر قدرت فعال فرد با «خودخلاق» انگشت می‌نهد و او معتقد است که ما می‌توانیم شخصیت خود را مطابق با سبک زندگی یگانه خود تعیین کنیم. «خودفعال» هر فرد، شیوه اختصاصی هر فرد را تعیین می‌کند (سیاسی، ۱۳۷۷).

(۳) سبک زندگی خاص: خودخلاق و اصل برتری‌جویی موجب میشود که هرکس به وجهی خاص دست به عمل بزند و سبک زندگی خاص خود را برنامه‌ریزی کند. شیوه و سبک زندگی خاص، تکیه کلام آدلر است و در تمام نوشته‌هایش مکرر به کار گرفته و

مشخص‌ترین بعد روان‌شناسی فردی است (شفیعی‌آبادی، ۱۳۸۶). سبک زندگی خاص یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرآیندهای عمومی زندگی ذیل آن قرار دارد (ناظم‌پور، غفاری، کشاورز، ۱۳۹۶).

آینده‌نگری و دوراندیشی

آدلر معتقد است که رفتار آدمی را هدف‌های او صورت می‌بخشد. او هم البته از اهمیت گذشته آدمی و تأثیری که در خود خلاق دارد غافل نیست؛ ولی اعتقادش بر این است که گذشته، حدود صحنه عمل را نشان می‌دهد در صورتی که آینده است که در این صحنه عمل بازیگران را معین می‌کند. لذا این هدف نهائی است که فرد را به دنبال خود می‌کشاند (سیاسی، ۱۳۷۷).

ویژگی‌های شخصیتی حضرت امام خمینی (ره)

نقش الگوهای رفتاری و شخصیت انسان در بروز تحولات اجتماعی و سیاسی پیوسته مورد عنایت و بحث دانشمندان به‌ویژه روان‌شناسان و جامعه‌شناسان سیاسی و سایر صاحب نظران تعلیم و تربیت بوده است. ویژگی‌های برجسته الگوهای رفتاری نقش اساسی در الگوپذیری سایر افراد جامعه ایفا می‌کند و یکی از مؤلفه‌های اساسی شخصیت انسان‌های برجسته همانا برخورداری از سلامت روانی و داشتن نفس سلیم است. اگر سلامت را به‌طور کلی حالت کامل آسایش و بهزیستی حسی، روانی و اجتماعی و معنوی بدانیم، در آن صورت می‌توان اثرات آن را در تحولات اجتماعی برجسته نمود (سهرابی، ۱۳۵۸؛ به نقل از کریس، ۲۰۰۸).

حضرت امام خمینی یکی از چهره‌های انسانی برتر قرن بیستم است که توانست با توسل به باورهای دینی و شایستگی‌های شخصی، همپاری عمومی مردم را جلب نماید و تلاش‌های آنها را در جهت هدف واحدی سوق دهد و حرکت عظیم انقلاب اسلامی را در ایران با سازماندهی به پیروزی برساند. وی از جمله شخصیت‌های بزرگ جامعه انسانی در قرن بیستم بود که بررسی ابعاد مختلف شخصیت ایشان به‌ویژه از دیدگاه روان‌شناختی و جامعه‌شناسی سیاسی، ضرورت تام دارد تا نسل امروز با خصوصیات برجسته این انسان

بزرگ بیشتر آشنا شوند و به‌مثابه یک انسان سالم و فاضل او را الگوی خود قرار دهند (فیرس و تیموتی، ۱۹۹۸). در تبیین علل اثرگذاری این شخصیت در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران معاصر می‌توان به نظریات چند تن از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان مطرح استناد نمود که در این میان نظریه انسان سالم مزلو و نظریه رفتار سیاسی ادلر و نیز نظریه شخصیت کاریزمای ماکس وبر قابل طرح است که مورد بحث قرار می‌گیرد.

امام خمینی مظهر کرامت و انسان کامل (خودشکופا)

مزلو به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان روان‌شناختی - ویژگی‌های افراد خودشکופا را به قرار ذیل برشمارد:

۱) دریافتی عمیق از واقعیت و برقراری ارتباط با آن، ۲) پذیرش خود، دیگران و طبیعت، ۳) خودانگیختگی، سادگی و طبیعت‌گرایی، ۴) تمرکز بر مسئله خارج از خویش، ۵) توانایی تنها ماندن، ۶) خودمختاری، ۷) تجربه‌های عرفانی، ۸) علاقه اجتماعی، ۹) خلاقیت، ۱۰) پایداری و ایستایی در فرهنگ‌پذیری (حقیقت و سالاری‌فر، ۱۳۹۴).

از نظر مزلو چهار سال اول زندگی اهمیت بسیار زیادی در برآورده شدن نیازها در قاعده هرم سلسله مراتب نیازها و نیز در تشکیل زیربنای شخصیت انسان دارد. حضرت امام خمینی در دوران کودکی هم از نظر مادی و هم از نظر معنوی در مضیقه نبوده‌اند. به نحوی که نزدیکان به‌ویژه مادرشان حق محبت را نسبت به ایشان ادا نموده و خلا عاطفی ناشی از فقدان پدر را جبران کرده‌اند. بعد از وفات پدر بزرگوارشان املاک و زمین‌های زیادی برای امام(ره) و برادرشان به ارث گذارده می‌شود و همین امر نقش زیادی در تأمین نیازهای مادی خانواده ایشان داشته است. سیدمصطفی علاقه زیادی به تربیت امام خمینی(ره) براساس مبانی و آموزه‌های اسلامی داشت. با این حال امام خمینی دوره نوجوانی را در شرایط سخت سپری نمود و با یادگیری مشق رزم و جهاد توانست از خانه و برزن خویش در هجوم اقوام «رجیلی‌ها» به اطراف خمین دفاع نماید و از این رو توانست در ردیف مردان مدافع شهر قرار گیرد و با پایداری در مقابل هجوم آنها جان و مال خود و خانواده را از غارت و تجاوز حفظ نماید (قادری، ۱۳۷۹).

اسناد تاریخی و بیوگرافی امام(ره) نشان می‌دهد که ایشان در طول دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی کمبودی در برآورده شدن نیازهای فیزیولوژیک، نیاز ایمنی و سلامت، نیاز به محبت و عشق، و نیاز به عزت‌نفس و پذیرش و احترام متقابل نداشته است و او واجد شرایط و ویژگی‌هایی بود که نشانگر خصیصه‌های افراد خودشکوفا است که در این میان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- درک عمیق واقعیت: ایشان هنگامی که در عراق در تبعید به سر می‌بردند از آنجا قیام را رهبری می‌کردند و از واقعیت‌های مملکت خویش بی‌اطلاع نبودند (عروج، ۱۳۸۱).

۲- خودانگیزگی و طبیعی بودن: عامل انگیزشی ایشان در مبارزات سیاسی اراده برخواسته از احساس ا و وظیفه بود. احساس وظیفه‌ای که بر حسب دین‌داری بوده و در آن اوضاع فکر می‌کردند که خداوند این وظیفه را بر عهده ایشان گذاشته است (خمینی، ۱۳۷۱)، از طرفی وضع معیشت ایشان در طول زندگی، حاکی از قناعت بوده است (سهرابی، ۱۳۹۴).

۳- توجه به مسائل بیرون از خویشتن یا مسئله‌مداری: امام در مبارزات خود با رژیم شاه هنگام مشاهده اوضاع نامطلوب جامعه در سخنرانی‌ها و بیانات خود به این مسئله اشاره داشته که چرا باید مشکلات برای جامعه اسلامی به وجود بیاید؟ چرا باید اینطور بشود؟ که همین نگاه مسئله محور امام در جواب به سؤال تاریخی «بهترین حکومت در غیاب امام معصوم چه حکومتی می‌تواند باشد؟» منجر به طرح جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه شد (حقیقت، سالاری‌فر، ۱۳۹۴).

۴- توانایی تنها ماندن: انسان‌های خودشکوفا دوست دارند که در انزوا و در خلوت به سر برده و تا اندازه زیادی از جو عمومی دوری کنند و با برنامه‌ریزی که برای خود دارند سعی می‌کنند به اهداف متعال برسند زیر آنان کاملاً بر منابع درونی تکیه دارند. حضرت امام خمینی به‌عنوان الگوی انسان کامل همیشه در عین مردمی بودن، انزوا و خلوت را دوست داشتند (الگار، ۱۳۸۲).

۵- علاقه اجتماعی: افراد خودشکופا نسبت به همه انسان‌ها احساس همدردی و همدلی دارند. امام قلب مهربانی داشت. با خانواده و مردم مهربان بود. نسبت به مردم و دوستان و آشنایان صمیمی بود. یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید: پس از ماجرای ۱۵ خرداد به خدمت امام مشرف شدم، حدود ۱۵ دقیقه خدمت ایشان صحبت کردم. حادثه ۱۵ خرداد را برای امام توضیح دادم و امام حدود بیست دقیقه اشک ریخت.

۶- تجربه‌های عارفانه: آیت‌الله جوادی آملی، امام را دارای مراتب عرفانی و دارای مرگ اختیاری می‌دانست «وقتی فرد، مرگ ارادی را تجربه کرده باشد و وقتی که ترس از مرگ وجود نداشته باشد، انسان کم نمی‌آورد و بقیه مسائل برای او حل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۲).

۷- خلاقیت: افراد خودشکופا قادرند در منتهای خلاقیت باشند. این خلاقیت می‌تواند در ابعاد مختلفی به ظهور برسد. یکی از ابتکارات و نوآوری بسیار مهم که امام به عرصه سیاست به‌ویژه تفکر سیاسی جدید در عرصه نظریه‌پردازی ارائه کرد شیوه حکمرانی بود که تلفیقی از عناصر مدرن (جمهوریت) و عناصر سنتی (اسلامیت) بود. ایشان شیوه‌ای برای حکومت اسلامی در اندیشه و عمل ارائه کردند که در غیاب امام معصوم دارای مشروعیت باشد (حقیقت و سالاری، فر، ۱۳۹۴). در این راستا آثار متعددی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۴۲ فردی نامه‌هایی را آورد تا به خدمت امام برسد. در آن نامه نوشته بود که آقای حاج روح‌الله خمینی! آیا شما خودتان را اعلم از علما می‌دانید؟ یا نه؟ امام زیر آن نوشت که به غیر از خداوند کسی برتر دیگری نیست. این نمونه‌ای از خصوصیات فردی امام و تیزبینی ایشان بوده است.

۸- احساس برابری با مردم: در بررسی تطبیقی ویژگی‌های حضرت امام با این خصوصیت افراد خودشکופا می‌توان ادعا کرد که براساس سیره عملی و نقل و قول‌های یاران امام، ایشان با رعایت حقوق مردم و احترام به تک‌تک آنها و با احساس برادری و برابری با آنها، خود را به صدر قله انسانیت، خودشکوفائی و کمال رسانیده بود (سهرابی، ۱۳۹۵).

۹- پایداری و ایستائی در فرهنگ‌پذیری: امام در بسیاری از بیانات خود به‌رغم شرایط و اوضاع نا مساعد جامعه آن زمان، ایستادگی و پایداری در راه رسیدن به آرمان‌های خود را داشت و فرمود: من خون و جان ناقابل خویش را برای ادای واجب حق و فریضه دفاع از مسلمانان آماده نموده‌ام و در انتظار فوز عظیم شهادتم (خمینی، ۱۳۷۱).

۱۰- کنش مستقل یا استقلال شخصی: امام در اعمال سیاسی و زندگی شخصی دارای استقلال در تفکر، اندیشه و تصمیم بود. ایشان از آغاز مبارزات بر این حقیقت پای می‌فشرد که از خود بیگانگی و مرعوب شدن در برابر تبلیغات پر طمطراق بیگانگان موجب نفی هویت جمعی می‌شود و مرعوب نشدن در برابر فرهنگ وارداتی زمینه استقلال در موضوعات دیگر را نیز شامل می‌شود. امام خمینی در قضیه بنی‌صدر و فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی با ابتکار لازم و منحصربه‌فرد خود بحران‌ها را به‌خوبی گذراند تا لطمه‌ای به انقلاب وارد نشود. با بررسی شخصیت روانشناختی و سیاسی حضرت امام خمینی که در بالا اشاره شد. تأثیرگذاری گسترده این شخصیت و الگوی رهبری مزبور در انقلاب اسلامی به‌خوبی نمایان است و با ویژگی‌های بسیاری از رهبران سیاسی جهان در تضاد بوده چرا که به اعتراف بسیاری از صاحب‌نظران، وی مصداق انسان خودساخته و باکرامت بود که تنها در دامن فرهنگ اسلام شیعی امکان پرورش چنین انسان کاملی وجود دارد. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای:

امام به همه می‌فرمودند که انسان کامل شدن، علی‌وار زیستن و تا نزدیکی مرزهای عصمت پیش رفتن افسانه نیست (بیانات، ۱۳۷۰)

شهید مطهری نیز از کسانی است که با تعبیری مانند قهرمان قهرمانان، روح ملت و تجسم ایده‌های عالی جامعه از امام خمینی یاد کرده است (وجدانی، ۱۳۶۸). آیت‌العظمی فاضل لنکرانی در مقاله‌ای با عنوان «امام مصداق انسان کامل» از امام خمینی به‌عنوان شخصیت بی‌نظیر یاد می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶).

زبان سیاسی امام خمینی(ره)

زبان سیاسی امام خمینی(ره) تا حدود زیادی از زبان قرآن الگو برداری شده است. در این صورت سوال این است که تلقی ایشان از زبان قرآن چیست؟ فهم تلقی امام از زبان قرآن در فهم شخصیت سیاسی وی و نیز در فهم دیدگاه وی در باب صراط، راهگشا است. امام، زبان قرآنی را زبانی سهل و ممتنع می‌داند. به نظر ایشان در مواقع مکرر، قرآن سفره‌ای است که به برکت بعثت پیامبر اکرم(ص) در طول شرق و غرب عالم از عصر وحی تا قیامت گسترده شده است «هر کس به اندازه آن اشتهایی که دارد و آن راهی که پیدا بکند به قرآن، استفاده می‌کند» (امام خمینی، تفسیر سوره، حمد، ۱۳۷۸). امام در واقع دو راهی و جدایی اقلیت روشنفکران و اکثریت توده مردم را طرح می‌کند و به حساب به نظر ایشان برای جلب همراهی و افزایش همراهان در صراط، باید مفاهیم پیچیده و ثقیل در افق دید عاملان تغییر و توده‌های مردم بیان شود تا آن مفاهیم بتواند در صحنه اجتماع شیوع و گسترش یابد و توسط مردم جذب و هضم شود و آنان حاملان آن اندیشه‌ها شوند. از سویی به نظر امام خمینی[قرآن] به شهادت خدای تعالی کتاب هدایت و تعلیم است و نور طریق سلوک انسانیت است و تنها کتاب سلوک الی‌الله است. بحث هدایت در زمینه سیاسی آن به‌ویژه در گفتار و نوشتار امام خمینی تبلور عینی داشته و در جایی امام از مهجوریت قرآن و «زبان هدایت» آن در جهان اسلام شکوه می‌کند «زبان انس و هدایت و زندگی به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است (برزگر، ۱۳۹۱: ۱۶۸).

در بررسی زبان سیاسی امام خمینی (ره) لازم است تکتک نظرات ایشان درباره برخی از مفاهیم اندیشه سیاسی مورد اشاره قرار گیرد تا به‌طور عینی بتوانیم از منظر ایشان به پدیده‌های سیاسی نظر بیفکنیم که در این راستا موارد ذیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

۱. سیاست: امام در سیاست از «صراط» استفاده می‌کند و سیاست را عبارت از راه بردن مردم و جامعه به سوی معیارهای عقل و عدالت و انصاف یا غایت مطلوب خود به صراط مستقیم الهی می‌داند (برزگر، ۱۳۹۱).

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد. این مختص به انبیاست (صحیفه امام، ۱۳۵۹، ج ۱۳).

۲. غربزگی: امام در تعریف غربزدگی و توصیف حال غربزدگان از واژه قبله که در واقع مبین جهت‌گیری و سمت‌گیری حرکت افراد و گروه‌ها در راه است بهره می‌گیرد و در وصیت‌نامه خود مفاهیم غربزدگی و شرق‌زدگی را جامع کسانی می‌داند که دو قدرت بزرگ را به‌مثابه «قبله‌گاه عالم» ارزیابی می‌کنند (صحیفه امام، ج ۲۱).

۳. از خودبیگانگی: از دیگر مفاهیمی است که امام به کمک یکی از متعلقات راه، یعنی گم شدن یا گمشده یا گمشدگی به تعریف و توصیف آن در افق فهم مخاطبان خود می‌پردازد. وی در درمان این پدیده یعنی «از خود بیگانگی» و رفع دل‌بستگی به تمدن غرب را حفظ اعتماد به نفس خود را نباختن دانسته است. امام می‌گوید: هیچ ملتی نمی‌تواند استقلال پیدا کند الا اینکه خودش را بفهمد. تا زمانی که ملت‌ها خودشان را گم کرده‌اند و دیگران را به‌جای خودشان نشانند استقلال نمی‌توانند پیدا کنند.

۴. نفی ظلم: یکی دیگر از اصول و مفاهیم اساسی شخصیتی و اندیشه سیاسی امام، نفی ظلم و ظلم‌پذیری است. این اصل یکی از کثیرالمنفعت‌ترین اصول شخصیت سیاسی امام است. امام آن را در سطح گوناگون روابط حاکم و محکوم یا شهروندان و نخبگان در روابط با قدرت‌های خارجی در روابط میان شهروندان و اتباع با یکدیگر و جزآن به کار می‌گیرد (برزگر، ۱۳۹۱).

۵. رشد سیاسی: در واقع امام از بیداری و آگاهی مردم به‌مثابه «رشد سیاسی» یاد می‌کند که توطئه اختلاف‌افکنی دشمنان را خنثی می‌کند. بیدار همان «یقظه» و از خواب غفلت بیدار شدن است. با یقظه انسان از جرگه «غافلان ناهشیار» خارج و به جرگه «سالکان هشیار» وارد می‌شود. در جای دیگر می‌توان از محتوای کلام ایشان چنین استنباط کرد که رشد سیاسی به معنای «راه یافتن است یعنی ملت، خود بدون اتکای به رهبری» بتواند به راه خود ادامه دهد (زک، صحیفه امام).

۶. تربیت: امام تربیت یا به تعبیر دقیق‌تر «تربیت صحیح» را «درست راه رفتن می‌داند» به نظر وی تربیت باید همگام با تعلیم، تزکیه و همگام با آموختن عمل به علم و آگاهی باشد و در مناسبتی دیگر امام تربیت اسلامی را حرکت از روی نقشه اسلامی می‌داند و تربیت اسلامی را تربیتی می‌داند که انسان در راه خدا، قرآن را هادی و راهنما و امام راه خویش قرار دهد: «باید تربیت اسلامی بشوند، باید روی نقشه اسلام حرکت کنند، قرآن هادی آنها باشد، امام آنها باشد»

۷. دشمن: دشمن یکی از مفاهیم اصلی و از ستون‌های سیاسی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره) است که با تعابیر گوناگونی همچون «مخالف مسیر»، «مانع سر راه»، «راهزن»، «مزاحم در راه خدا»، «بازدارنده از راه خدا» یاد شده است. امام، دشمن را هر شخص، گروه، جریان، کشور و تفکری می‌داند که مسیر یا مقاصد انتخابی‌اش، راه خدا یا غایت الهی نباشد (برزگر، ۱۳۹۳).

۸. قاطعیت و شجاعت: شجاعت و قاطعیت امام از جمله ویژگی‌های شخصیت سیاسی او بود. شجاعت او به حدی بود که آن روز که همه از بردن نام شاه وحشت داشتند، او قیام کرد و گفت: «تو مگر بهایی هستی که من بگویم کافر است بیرونت کنند».

۹- عدم خود محوری: داشتن کیش شخصیت، تقریباً در بین بسیاری از رهبران بزرگ دنیا و از جمله رهبران کاریزما چیز معمولی به‌شمار می‌آید. خودمحوری، خودستایی و راحت طلبی بخش عمده‌ای از ویژه‌های رهبران سیاسی در جهان اخیر است که در این میان امام خمینی (ره) به دلیل پاره‌ای ویژگی‌های شخصیتی، در زمره رهبران خدمحور، خودستا و راحت طلب قرار نمی‌گیرند.

امام از جمله رهبران بی‌مانند و ساده زیست در دنیا است که نه تنها در زندگی، فاقد کیش شخصیت است بلکه با فروتنی از ادبیاتی متواضعانه برای اشاره به خود استفاده می‌کند همچنان که در ابتدای وصیت‌نامه خویش، از عنصر «طلبه حقیر» یاد می‌کند (اخوان کاظمی، ۱۳۹۶). یا در مکاتبات با فرزندش، عمر خود را «برباد رفته» به شمار آورده است (روحانی، ۱۳۶۳).

ویژگی‌های نظام اخلاقی و تربیتی امام خمینی (ره)

امام خمینی از نظام و مکتب اخلاقی ویژه‌ای برخوردار است که به پاره‌ای از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

الف) ملاک فعل اخلاقی

امام خمینی (ره) معتقد است اعمال صالح، اعمالی است که با فطرت انسان منطبق و سازگار باشد. ایشان بر این باور است که انسان سعادت‌مند و مستعد رسیدن به سعادت خلق شده و فطرت انسان فطرتی پاک است که دربردارنده استعداد و سعادت آدمی است و انسان با انجام اعمال صالح و خوب می‌تواند آن را شکوفا کند و به فعلیت برساند. و اما عمل زشت، قبیح و به تعبیر امام عمل ناصالح هم آن عمل است که با فطرت انسان سازشی نداشته باشد (امام خمینی، جلد ۷).

بنابراین به نظر می‌رسد ملاک و مصداقی که امام از عمل اخلاقی ارائه می‌کند مطابقت و عدم مطابقت فعل اخلاقی با فطرت انسان است که نیاز است در جایی دیگر مستقلاً به آن پرداخته شود.

ب) برخورداری از چارچوب سیاسی-اجتماعی

چارچوب سیاسی حاکم بر مکتب اخلاقی امام در کنار چارچوب‌های اجتماعی و سیاسی و تربیتی، توحیدی و معرفتی و غیره از دیگر ویژگی‌های بارز مکتب اخلاقی امام خمینی (ره) است. در این راستا ایشان بیان می‌کنند که دینی که جامعه را به راه راست هدایت کند یعنی «اسلام، حکومت است و احکام هم قانون آن» (امام خمینی (ره) بی‌تا، ج ۲). در این نگاه از آغاز، دین و تعالیم آن، اجتماعی و سیاسی دیده شده است. نگاه امام خمینی به اسلام چنین نگاهی است که اعتقاد دارند اسلام یک دین سیاسی است. یک دینی است که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش.

نظام اخلاقی - سیاسی امام خمینی (ره)

هر نوع نظام سیاسی مبتنی بر سه رکن رهبری، مکتب و مردم است و در این راستا مطابق

بیانات امام خمینی (ره) می‌توان نظام اخلاقی و سیاسی را ترسیم نمود:

- ۱) توحید کلمه، توحید عقیده، اتفاق نظر در امور مهم و جلوگیری از ظلم ظالمان، از مقاصد بزرگ شرایع و انبیای عظام، سلام الله علیهم است.
 - ۲) ظالم، فاسدکننده و ویران‌کننده مدینه فاضله است.
 - ۳) ریشه کردن ظلم ظالم، اصلاح‌کننده اجتماع و فرد است.
 - ۴) ریشه کن کردن ظلم ظالم، اولاً در سایه وحدت افراد، وحدت همت، به الفت، اخوت، صداقت قلبی، صفات باطنی، و ظاهری و ثانیاً اتحاد آحاد امکان‌پذیر است، جامعه به شکلی که گویا تمامی جمع یک شخص هستند و هر فردی از مردم بخشی از عضو پیکر اجتماع است.
 - ۵) مردم که حالا به شکل یک موجود زنده درآمده‌اند باید یک هدف داشته باشند، هدفی که الهی است و پشتوانه عقلی دارد.
 - ۶) هدف مشترک، صلاح دنیوی و اخروی فرد و جامعه است. تمامی تصمیمات و اقدامات باید الهی و عقلی و مبتنی بر صلاح مردم و فرد باشد.
 - ۷) اگر دولت و ملت و امتی چنین مودت و اخوتی داشتند، مقتدر و عزتمند و آقای منطقه و جهان اسلام و جهان می‌شود (امام خمینی، صحیفه نور، جلد ۸).
- علاوه بر این امام خمینی می‌فرماید کسی که می‌گوید «ما را چه به سیاست» معنایش کنار گذاشتن اسلام است. تقویت اخلاق، تقویت سیاست و تقویت سیاست، تقویت اخلاق را بر عهده دارد، پس اخلاق و سیاست از منظر امام رابطه‌ای هم‌افزا دارند، از این رو تربیت و تزکیه نفس و فرهنگ در جامعه اسلامی بسیار مهم و نقش اساسی دارد (لک‌زدایی، ۱۳۹۲).
- رفتار و منش فردی و اجتماعی امام خمینی (ره)**
- سبک زندگی خاص امام خمینی (ره) در جذب افراد:
- امام خمینی (ره) به عنوان راهبر سیاسی و دینی جامعه ایرانی - از منش ویژه‌ای در رفتار

فردی و اجتماعی برخوردار بودند که باعث شده بود که در میان رهبران سیاسی جهان، نمونه‌ای بی‌همتا باشند. این رفتارها و منش‌ها به قرار زیر هستند:

– ساده زیستی امام خمینی(ره)

امام توجه ویژه‌ای به زندگی پیامبر اسلام و ائمه و معصومین داشته‌اند و روش زندگی آنان را نمونه و الگوی خود در زندگی قرار داده بودند و به مردم و علما و دولتمردان توصیه می‌کنند که به دور از تجمل‌گرایی باشند ساده زیستی را سرلوحه زندگی خود قرار دهند (ایران‌نژاد، ۱۳۹۲).

او در اصل ساده زیستی هم خود عمل می‌کردند و هم کارگزاران را به شدت از اخلاق کاخ‌نشینی بر حذر و زیستن همانند مردم عادی و متوسط را توصیه می‌کردند. در بیان ساده‌زیستی او و اعتقاد او به لزوم احتیاط کامل در صرف بیت‌المال، همین بس که بنا به نظر و تأیید امام، در اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، دیوان عالی کشور موظف شده است تا دارایی رهبر و مسئولان رده بالای نظام اسلامی، پیش و پس از تصدی مدیریت‌ها را رسیدگی کند تا خلاف حق، چیزی افزایش نیافته باشد. امام خمینی نخستین کسی بود که صورت دارایی ناچیز خود را اعلام کرد (پیروز، ۱۳۹۱).

پروفسور موتی(فرانسوی) در مورد ساده زیستی او می‌گویند: بیشتر از همه چیز، زندگی ساده حضرت امام مرا مجذوب خود کرد. او در پاریس در یک خانه کوچک زندگی می‌کرد که دو اتاق بیشتر نداشت. یکی از اتاق‌ها، اتاق خواب و دیگری اتاق کار و ملاقات‌های ایشان بود. غذای ایشان هم بسیار ساده مقداری شیر و برنج بود (میرشکاری، ۱۳۸۴).

– عدالت محوری

تعابیر حضرت امام خمینی در مورد عدالت به قرار زیر است:

- ۱- عدالت به معنای قایل نشدن امتیاز برای قشرهای خاص است،
- ۲- عدالت به معنای اینکه: طبقات خاص به طبقات پایین ظلم نکنند و باید حق فقرا، حق مستمندان داده شود باید مستضعفین حمایت شوند و تقویت شوند.

۳- عدالت به معنای قیام انسان‌ها به قسط که معنای رفع سختگیری‌ها و چپاول‌گری هاست.

۴- اقامه عدل یعنی «نجات مستمندان از زیر بار ستمگران و کوتاه کردن دست ستمکاران (صالحی، ۱۳۹۳).

در این راستا امام خمینی اصولاً در سه سطح به بحث عدالت پرداخته ۱- عدالت را صفت پروردگار و فعل ربوبی معرفی می‌کند.

۲- عدالت را صفت اخلاقی فرد می‌شمرد و آن را مفهوم حد وسط در امور می‌داند (فوزی، ۱۳۹۰).

۳- ایشان عدالت را به‌مثابه گرایش فطری دانسته و ارسال رسولان و نزول کتب اسمانی را برای تحقق این منظور دانسته و از همین معتقد است که عدالت مقیاس دین و تشریح و قانون و احکام است و میزان بودن عدل نیز که در روایات آمده است مؤید این معناست (جمشیدی، ۱۳۸۸).

مردم‌مداری

امام خود را خدمتگزار مردم می‌دانست و به نظر و رای مردم با دیده احترام می‌نگریست. جمله معروف، «میزان رأی ملت» است بیانگر توجه خاص او به ملت است. امام در حوزه سیاسی با دفاع از نظام جمهوری اسلامی، آن را حکومت جمهوری متکی بر آرای مردمی و اسلامی و متکی بر قانون اسلام می‌دانست. امام مردم را ولی‌نعمت مسئولان دانسته و خدمتگزاری به مردم و حرکت در مسیر تعالیم عالی‌دینی را وظایف دولتمردان برمی‌شمارد: «مسئله، مسئله خدمتگزاری دولت به ملت است» (عزیزی، ۱۳۹۶).

رفتار و منش سیاسی امام خمینی (ره):

امام خمینی (ره) به‌عنوان یک رهبر سیاسی و دینی، در تعاملات سیاسی و تصمیم‌گیری‌های خویش از ویژگی‌های برجسته برخوردارن که ذیلاً به پاره‌ای از آنها پرداخته می‌شود:

الف) تعامل امام با علما

درباره نحوه تعامل حضرت امام خمینی با علما می‌توان به کلام مستقیم ایشان نمود که امام فرمودند:

«کسی گمان نکند که بشود با پخش یک چیزهای مسموم بتواند که بین علمای اسلام جدایی بیندازد و هیچ امکان ندارد این مطالب، ما همه با هم هستیم، ما برای دفاع از اسلام و دفاع از ایران و دفاع از استقلال ایران و دفاع از کیان اسلام، همه ما متحدیم گمان نشود که خدای نخواستہ خیال کنند که اختلافی در کار هست».

ب) نحوه تعامل امام خمینی با نخبگان

حضرت امام که خود از احیاگران و مصلحان مکتب اسلام و مذهب تشیع بشمار می‌رود، در ادبیات سیاسی و اخلاقی‌اش مرزی بین روشن فکر اصیل و دلسوز و روشنفکر غرب زده قایل بود. به باور و اعتقاد حضرت امام خمینی، روشنفکران همچون محققان و عالمان در نجات اسلام نقش محوری داشته و دارند (قاسم‌پور، غفاری و کشاورز، ۱۳۹۶).

ج) نحوه تعامل امام خمینی با توده‌های مردم

امام درباره حمایت از مردم به‌ویژه محرومان جامعه می‌فرماید:

شما بیایید نصیحت من را گوش کنید، تلافی کنید به مردم، تواضع کنید به مردم. آقا، دولت مال مردم است. بودجه مملکت از جیب مردم است، شما نوکر مردم هستید دولت‌ها خدمتگزار مردمند، هی لطفاً نگویید من خدمتگزار و عملاً تو سر مردم بزنی و حق بیچاره‌ها را پامال کنی (موسسه نشر و آثار امام).

د) خود خلاق بودن امام خمینی در جذب افراد

- خلاقیت در همسو کردن حوزه و دانشگاه:

خلاقیت در همسو کردن حوزه و دانشگاه توسط حضرت امام خمینی را از کلام ایشان جویا می‌شویم: حضرت امام می‌فرمایند: «من به آقایان روحانیون هم کرراً گفته‌ام، حالا هم عرض می‌کنم که اولاً مسئولیت شما زیاد است، به دانشگاهی‌ها عرض می‌کنم که اینقدر

گروه گروه نشوید، شما دشمن دارید، در مقابل دشمن باید مجهز بشوید، مجهز شدن به این است که با هم یک گروه و با وحدت کلمه خودتان جلوی این توطئه‌ها را بگیرید» (صحیفه امام، ۱۳۷۰).

او در اندیشه سیاسی خود بر نزدیکی دو قشر طلبه و دانشجو داشت و به دلیل شخصیت و مواضع سیاسی خود می‌توانست هم‌محور وحدت آنها قرار گیرد و هم نخبگان هر دو قشر (به‌ویژه روحانیت) را علیه شاه برانگیزاند (پتی، ۱۹۸۳).

۵) ابتکار عمل

امام در طول رهبری خویش با شناخت دقیق جریانات و مسایل مختلف داخلی و خارجی ابتکار عمل را به دست گرفته و دشمنان انقلاب اسلامی را همچون توده مردم به انقلاب جذب می‌کرد. «الوین تافلر» در کتاب «جابجایی قدرت» اذعان می‌کند: «کار بزرگ امام این بود که برای اولین بار، چندین نفر از غرب را با تمامی نادیده گرفت و به جای این که بنشیند و با ما به صورت جداگانه وارد بحث شود، در کل همه ما را دور زد».

در مجموع جامعیت علمی و ویژگی‌های خاصی شخصی سیاسی او از وی رهبری قدرتمند ساخته بود که موفق شد مردم را بر انقلاب جذب کند (صالحی، ۱۳۹۳).

و) دوراندیشی یا آینده‌نگری امام خمینی (ره) در جذب افراد

در مسیر انقلاب اسلامی یکی از واقعیت‌های مهم تاریخی بینش عمیق و آینده‌نگر حضرت امام خمینی بود که بیانگر فهم و تحلیل درست ایشان از شرایط تاریخی بود. ایشان در سال ۱۳۴۱ سقوط رژیم شاه را نویددادند. یعنی در شرایطی که عده زیادی از انقلابیون اعتقاد داشتند که نیروی قهری دستگاه شاه بر همه چیز فایق است. حضرت امام در مصاحبه با روزنامه فرانسوی لوموند بیان داشتند که ایران در حال انفجار است و اینگونه بود که پس از یک سال، مبارزات حق‌طلبانه مردم ما اوج گرفت و به ثمر نشست (قاسم‌پور، غفاری، کشاورز، ۱۳۹۶).



نمودار مولف‌های رفتار سیاسی امام خمینی (ره)

ز) تدابیر علمی و کارساز در اداره امور جامعه

رفتار عالمانه امام واقعاً درسی بزرگ برای همه آنهايي است که قصد حکومت کردن و اداره کشور را دارند امام می‌توانست در زمان زعامت آیت‌الله حائری، رفتار رضاخان را بر نتابد و علیه استبدادگر زمان برآشوبد و همچنین در زمان مرجعیت بروجردی، اما چون رهبری جامعه شیعیان با آن بود امام سکوت را ترجیح می‌داد و تنها نظر خود را با ایشان در میان می‌گذاشتند و این درسی برای دیگران که چگونه باید تابع نظر رهبری بود که مقبولیت عامه را دارد (ثقفی، ۱۳۹۴).

بر این اساس با مروری به تحولات سیاسی و زندگی فردی ایشان می‌توان امام، در امور جامعه خصایصی را همچون مدیریت صحیح، تدبیر، بهره‌گیری از نظر مشورتی بزرگان

انقلاب و از همه شجاعت را مشاهده نمود که موجبات شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی و پیروزی‌های آن گردید و الگویی برای دیگران گردید (پرسمان، ۱۳۸۶).

نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر شخصیت‌شناسی از منظر روان‌شناسی سیاسی و مطالعه موردی ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری حضرت امام خمینی (ره) بود. در راستای این هدف و با مرور اسناد مکتوب مشخص گردید که امام خمینی از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری، انطباق کامل با دیدگاه‌های نظری شخصیت‌شناسان به‌ویژه الگوی انسان کامل مازلو و ادلر دارند و از طرفی، برخی ویژگی‌های ایشان منحصر به فرد بوده و از این رو وی را از سایر رهبران سیاسی در اعصار گذشته و حال جدا می‌کنند به این معنی که امام خمینی (ره) به‌عنوان انسان کامل و در مقام مرجعی فرهیخته در دامن تعالیم اسلامی پرورش یافته و فضایل و کرامتات ایشان به حدی رسیده بود که از وی یک انسان الهی ساخته بود. از سویی منش و رفتار اجتماعی و فردی و سیاسی ایشان به‌گونه‌ای بود که در قاموس علم سیاست مفاهیم جدیدی را در قالب تکلیف‌گرایی، عدالت‌ورزی، تهذیب نفس پرهیز از ریاکاری، قاطعیت، مردم‌داری و ساده‌زیستی عرضه نمود. همچنین بررسی‌ها نشان داد که صفاتی همچون دوراندیشی، شجاعت، توجه به محرومان و ارتباط با علمای دین و روشنفکران، خلاقیت و نوآوری در تشکیل حکومت و رهبری الهی و مردمی موجب گردید که وی در میان رهبران سیاسی جهان الگوی بی‌نظیر باشند که توانست از ایشان یک رهبر نمونه با تفکر جهانی و ماندگار به نمایش بگذارد و سبک زندگی ایشان نشان داد که می‌توان با ساده‌زیستی و برخورداری از صداقت کلام و عمل، قلل افتخارات انسانی و دینی را فتح نمود و الگوی دیگران شد.

تاریخ دریافت نسخه اولیه مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰
تاریخ دریافت نسخه نهایی مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۰۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۵/۲۰

منابع

- آلپورت، گوردون و لئویستن (۱۳۷۴). روان‌شناسی شایعه، تهران: انتشارات سروش.
- آلپورت، گوررون دبلیو؛ و ادواردای، جونز (۱۳۷۱). روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۸۲). کنگره اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی امام خمینی (ره).
- انصاری، حمید (۱۳۷۶). حدیث بیداری، نگاهی به زندگی‌نامه آرمانی - علمی و سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ایران‌نژاد، ابراهیم (۱۳۹۲). عدالت از دیدگاه امام خمینی، انتشارات معاونت فرهنگی ستاد مرکزی بزرگداشت امام خمینی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۲). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) سیاست به‌مثابه صراط، انتشارات سمت.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۳). روان‌شناسی سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- ثقفی، علی (۱۳۹۴). بانوی انقلاب، چاپ دوم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). آئین انقلاب اسلامی، گزیده ای از اندیشه و آرای عمومی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۱). صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷). شرح حدیث «جنود عقل و جهل»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). صحیفه امام مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها) ۲۱ جلدی، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی.
- روحانی، حمید (۱۳۶۳). نهضت امام خمینی، ج ۲، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید، سازمان انتشارات انقلاب اسلامی.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۹۳). نظریه‌های شخصیت و امام خمینی، چاپ دوم، تهران: نشر عروج.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۹۵). شکوفایی شخصیت و امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران: نشر عروج.
- سیاسی، علی اکبر (۱۳۷۷). نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روانشناسی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم.

- صادق حقیقت، محمدرضا و محمدرضا سالاری‌فر (۱۳۹۴). روان‌شناسی شخصیت و مسئله ساختار- کارگزار (مطالعه موردی: امام خمینی و کارتر)، فصلنامه علمی و پژوهشی رهیافت نو، سال نهم، شماره ۳۱-پاییز.
- صالحی، حمید (۱۳۹۳). مدیریت جهادی از منظر امام خمینی (ره)، خبرگذاری تابناک.
- عزیزی، مهدی (۱۳۹۶). مدیریت اسلامی از منظر امام خمینی و امام خامنه‌ای، فصلنامه علمی و تخصص خانه ملت، شماره ۲۰-تابستان.
- فیرس، ای؛ خبرمن و ترال، تیموتی، جی. (۱۳۸۲). روان‌شناسی بالینی، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: انتشارات رشد.
- قادی، سیدعلی (۱۳۷۹): خمینی روح‌الله: زندگی‌نامه امام خمینی بر اساس امضاء و خاطرات و خیال، ج ۱، چ ۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی).
- قاسم‌پور، رضاعلی، غفاری، زاهد و عباس کشاورز (۱۳۹۶). مولفه‌های رفتار سیاسی امام خمینی (ره) در حزب افراد بر اساس دیدگاه آدلر، فصلنامه ویژگی‌های انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۲۵، تابستان.
- کاتم، مارتا؛ دیتز، بث؛ مسترز، الفا و توماس پرستون (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روان‌شناسی سیاسی، ترجمه کمال خرازی جواد علاقی‌راد، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- کدی، مرضیه (۱۳۷۴). مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه‌های اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره) موسسه تنظیم و نشر امام خمینی (ره)، فروج
- لک‌زدایی، نجف و رضا لک‌زدایی (۱۳۹۲). نظام اخلاق سیاسی امام خمینی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۶، پاییز.
- کاملی، اخوان (۱۳۹۶). تبیین نظری رهبری امام خمینی از زوایه نقد نظری رهبری کاربزماتیک، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۰، پاییز.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا.
- موسسه عروج (۱۳۸۳). برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، ج ۳، قم.
- میرشکاری، اصغر (۱۳۸۰). راهبردها و راهکارها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۵-۶
- واینبرگ، اشلی (۱۳۹۴). روانشناسی سیاستمداران، ترجمه شهرزاد مفتوح، انتشارات قومس.
- وجدانی، مصطفی (۱۳۷۶). سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی (ره)، ج ۲، تهران: انتشارات پیام آزادی.

پیروز، علی‌آقا (۱۳۹۱). رویکرد مدیریتی به رهبری امام خمینی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فوزی، یحیی (۱۳۸۸). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)، قم: انتشارات معارف.

الگار، حامد (۱۳۶۷) گفت‌مان سیاسی غرب و اسلام، کتاب نقد، سال چهارم، شماره ۱۶، پاییز.

Granette, Jognc. (1984), *Commonsense and the theory of interantial political*, London, Macmillan LTP.

Hermann, G. Margaret (ed) (1986), *Political Psychology, Contemporary problems and issues*, Sunfrancisco: Jossey-Bass.

Sears, Davido- (ed) and Leonie Huddy and Robert Jervis (2003), *Oxford Handbook of political psychology*, New York: Oxford University press.